

اعلامیه سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)

"انتخابات" حمل 1393 را قاطعانه تحریم کنید!

بسوی جنگ خلق روانه شوید!

ما را ز انقلاب، سر انتخاب نیست

چون انتخاب ما بجز از انقلاب نیست

(فرخی یزدی)

"انتخابات" پوشالی گذشته، چنان افتضاح به بار آورد که حتی خود "سازمان ملل متحد" که کارگزار سیاست های امپریالیستی قدرت های خون آشام است، اقرار نمود که: "تقلب گسترده در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان صورت گرفته است."

کای ایده نماینده ء ویژه ء "سازمان ملل متحد" در امور افغانستان طی کنفرانس مطبوعاتی با حضور سفرای انگلستان و درکابل گفته بود:

"تقلب در این انتخابات بسیار گسترده بوده است"

(htt)

آن انتخابات مملو از تقلب که به دور دوم کشانیده شد، بی آنکه به دور دومی صورت وقوع پیوندد، از سوی "جامعه جهانی" امپریالیست ها مهر پذیرش خورد،

و داکتر عبدالله عبدالله جهادی پوشالی نیز با آنهمه سر و صدا های میان خالی، به حامد کرزی "مبارکباد" گفت.

برای امپریالیست های اشغالگر فرقی نمی کرد که انتخابات به دور دوم کشانیده شود یا اینکه کدام یک از سگان قلاده به گردن شان پیروز شود. مهم برایشان این بود که حالت اشغال صریح مملکت را "پرده پوشی" کنند و خاک در چشم جهانیان بپاشند و ادا و اطوار در آورند که در افغانستان "یک رژیم مشروع" مستقر خواهد بود که مولود "انتخابات" است. شمار زیادی از "روشنفکران" وجدان باخته و به پستی گراییده نیز که تنور "انتخابات" را گرم دیدند، در نقش های "منتقد"، "کارشناس" و "صاحب نظر" به مشاطه گری رژیم مولود اشغال پرداختند.

اینک باز بورژوازی بیروکرات کمپرادور جامه ء "انتخابات" به تن کرده است، و میخواهد ادامه ء اشغال را مهر تطهیر بخشد.

و اما برای خلق های افغانستان:

خلق های افغانستان میدانند که اشغالگران و رژیم پوشالی دست نشانده آنها دشمنان خلق ها بوده، و هرگز علاقه ای به بهبود وضعیت زنده گانی مردم ندارند. نامزد های "انتخاباتی" برای سال 2013 همه از جمله ء ناقضان حقوق بشر و مزدوران امپریالیسم امریکا-شرکا بوده و چهره های جنگ سالار نظیر محقق، داکتر

عبدالله، ژنرال دوستم، سیاف... رساننده ء آن است که این حیوانات درنده باز میخواهند از جیفه ء مردار امپریالیست ها و استخوان بخشی های ارتجاع منطقه بیشتر مزیده و به حیات خبیث خویش ادامه دهند.

نیز چهره های مزدور و وابسته به استخبارات کشور های امپریالیستی نظیر "زلی رسول" و اشرف غنی احمد زی رساننده ء آنست که تنها بی وجدان ترین ها قلاده ی برده گی اشغالگران را به گردن توانند آویخت.

امثال داود سلطان زوی، به مثابه ء "روشنفکران" خود فروخته و به پستی گراییده، به مشاطه گری و تطهیر این "انتخابات" پوشالی پرداخته و همانقدر ننگ وطن فروشی را به گردن دارند که امثال سیاف و داکتر عبدالله.

حامد کرزی-شاه شجاع ثالث- علی الرغم مالیدن پوزه ی غلامی بر چکمه های خونین اشغالگران، موفق نشد که برادر خویش را به حیث نامزد برنده به مشق دلربایی در آغوش "باداران" واسپارد، و رویای "خوش" موروئی ساختن "ریاست جمهوری" اش به بوشاسب مبدل گردید، با آنهم میخواهد از یخه ء فردی سست عنصر و وطن فروش نظیر زلی رسول سر خویش را بیرون کشیده، و به حیات سیاسی ننگین خویش ادامه بخشد. اینکه وی چقدر در این بازی کثیف موفق خواهد بود، آنرا سیر حوادث و شاید هم شتاب معاملات بعدی به اثبات خواهد رسانید.

مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم به ما می آموزد که در انتخابات تحت سیطره ی اشغالگران ، اصولا سخنی از انتخاب و انتخابات نمی تواند در میان باشد. از سویی رژیم دست نشانده مجالی از برای نامزد شدن افراد با وجدان فرا نمی گذارد، و از سوی دیگر، هیچ با وجدانی ننگ شرکت در انتخاباتی پوشالی را فرا نمی پذیرد. نیز مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم به ما می آموزد که اگر هم پای اشغال در میانه نباشد، در رژیم های بورژوا بروکرات کمپرادور نمی توان امید به برگزاری انتخابات دموکراتیک داشت. چنین رژیم هایی مخالف هرگونه دموکراسی شدن میباشند، زیرا که این رژیم ها کاملا وابسته به امپریالیسم اند. لهذا، یگانه راه ممکن و صحیح همانا مبارزه مسلحانه و رفتن بسوی انقلاب قهرآمیز است؛ انقلابی که بساط امپریالیسم، فئودالیسم و بورژوازی بروکرات کمپرادور را در افغانستان بر خواهد چید. چنین انقلابی تنها از مسیر جنگ ممتد خلق به پیروزی خواهد رسید. همانگونه که رفیق کبیر جوزف استالین میگفت: در انتخابات این مهم نیست که کی چقدر رای بدست می آورد، در انتخابات مهم آنست که کی رای ها را می شمارد"، انتخابات در زیر سرنیزه های حاکمیت های پوشالی قطعا محلی از برای اعراب نداشته، و در صورتی که میدانیم که پوشالیان برسر اقتدار و اربابان شان اند که نتیجه ء انتخابات را تعیین میکنند، لهذا، دیگر نمی توان با "بازی های انتخاباتی" سخنی از دموکراسی به میان آورد. تز

رفیق استالین، یک تز صحیح بوده، و مارکسیست-
لنینیست-مائوئیست ها بر آن اند که: هرگز نباید
دنبال "انتخابات" و کریتینیزم پارلمانی روانه گشت.
تنها راه ی صحیح و مترقی، همانا رفتن بسوی مبارزه ء
مسلحانه و راه اندازی جنگ خلق است. سازمان
کارگران افغانستان (م.ل.م) انتخابات پوشالی 1393
را قاطعانه تحریم میکند و خلق های آزادیخواه ء
کشور را به مقاومت انقلابی در برابر رژیم پوشالی و
اربابان آن رژیم فرا میخواند.

رویزیونیست های تسلیم طلب و تسلیم شده نیز در
شمارسایر دشمنان خلق، به تایید انتخابات پوشالی و
سهمگیری در تطهیر و مشاطه گری آن دخیل اند. برخی
از حلقات که بی آزمانه و دروغ آجین خویشان را
تالی راه ی پرافتخار شهید مجید کلکانی میدانند،
همانگونه که طی بیش از 12 سال اخیر یوغ شرم تایید
رژیم پوشالی را بر گردن نهاده اند، باز بیشرمانه
اینک به اشرف غنی احمد زی "کمپاین" میکنند. چنین
عناصر و حلقات، پیوندی با مبارزه ملی-رهایی بخش
ندارند چه رسد به آنکه خویشان را "چپ" و تالی
اندیشه های روشنگری بخوانند!

احزاب، سازمانها و نهاد های راجستر شده در وزارت
عدلیه رژیم پوشالی همه غلامان حلقه بگوش اشغالگران
بوده و (چه باید کرد و چه نباید کرد) را از
باداران خارجی خود فرا می گیرند. شماری از این
احزاب، سازمانها و نهاد های راجستر شده، بقایای وطن

فروشان "خلقی"، پرچی، سازایی، سفزایی و تفاله های رویزیونیست های سه جهانی و سنتریست های بدنام بوده و اینک سر در آخور امپریالیسم امریکا-شرکا خم نموده، و به دستور اشغالگران به مشاطه گری "انتخابات 1393" مشغول اند. یوناما این احزاب، سازمانها و نهاد های وطن فروش را اخیرا جدا گانه و بعضا کتلوی هشدار داده است که در "فعالیت" های خویش، چه در راستای "مبارزات انتخاباتی" و چه در سایر عرصه ها، حتی میتوانند با طالبان وارد "ائتلاف" ها و مفاهمه شوند، اما هرگز به مائوئیست ها نزدیک نشوند! یوناما همچنان مشخصا اعلام داشته است که یگانه دشمن عمده و رژیم و آینده سیاسی کشور، مائوئیست ها میباشند!

نخست باید گفت که منظور یوناما از مائوئیست ها هیچگاه احزاب سرکاری و تسلیم شده نظیر "حزب همبسته گی افغانستان" یا سازمانهای انجویی نظیر "سازمان انقلابی افغانستان" که "کلید" شان به دست امپریالیست ها است، نمی باشد. بخشی از (ساما) که به اشرف غنی احمد زی کارزار می نماید، نیز نیست. زیرا که اگر چنان می بود، اشرف غنی هرگز از دستور اربابان خویش چشم نمی پوشید و سامایی ها را در آغوش نمی گرفت. واضح است که سامای شهید مجید با کاسبکارانی که به خون شهید مجید خیانت نموده اند، ربطی ندارد. یوناما هرگز امثال (رهایی) و (سامای بعد از مجید) و (سازمان انقلابی) را بنام مائوئیست

نی شناسد. (بگذریم از اینکه این سازمانها نیز هرگز مدعی (مائوئیست) بودن حتی در حرف نیز نبوده اند، و مائوئیسم را نیز قبول ندارند.) یوناما از مائوئیست ها همان نیروی رزمنده ای را خاطر نشان میکند که مائوئیست بوده، خویشتن را مائوئیست میخوانند، و رهبری جهانی صدر مائو در انقلاب جهانی را تایید نموده و شعار (جنگ خلق) را به مثابه استراتیژی جهانی خویش اتخاذ کرده اند، و همانند رفقای هندی شان با شعار و عمل "جنگ خلق" به مصاف ارتجاع می شتابند. نخست باید گفت که مائوئیست های کشور هرگز ننگ نزدیک شدن و یا همسویی با احزاب، سازمانها و نهاد های راجستر شده در وزارت عدلیه رژیم پوشالی را نمی پذیرند. مائوئیست های کشور آن نهاد ها را به مثابه نهاد های مزدور طرد و تقبیح نموده و در آینده نیز طرد و تقبیح می نمایند. این را یوناما و اشغالگران نیز میدانند. پس چرا یوناما و باداران رژیم؛ غلامان حلقه به گوش خویش را از نزدیکی با مائوئیست ها الحذر میدهند؟ منظور یوناما آن است که مبادا غلامان حلقه به گوش شان "اشتباها" از خط قرمز تعیین شده توسط امپریالیست ها عبور و تجاوز نموده و هوای رو آوردن به خط انقلابی-رهایی بخش را در سر پرورند. از سوی دیگر، یوناما با این جلسات "سری" خویش با مزدوران حلقه به گوش خویش، به آنها تفهیم میدارد که باید در برابر مائوئیست ها آشتی ناپذیر باشند. همانگونه

که منموهن سینگ مرتجع، مائوئیست ها را بزرگترین خطر داخلی در سراسر تاریخ هند خوانده بود، اینکه اشغالگران امپریالیست، مائوئیست های کشور را بزرگترین خطر برای آینده افغانستان خوانده اند، و به این ترتیب، نهاد های سرکاری را در برابر مائوئیست ها از لحاظ سیاسی-ایدئولوژیک تجهیز و مسلح میکنند! از دید یوناما و اشغالگران، یگانه نیروی سیاسی انقلابی-وطن پرست در افغانستان، مائوئیست های این کشور میباشد. یوناما برای غلامان حلقه به گوش خویش اعلام کرده است که مائوئیست ها، یگانه نیروی چپ کمونیست بوده، و دشمن عمده به شمار میروند. از همین سبب است که غلامان خویش را هشدار میدهد که هرگونه "سمپاتی" با مائوئیسم در حکم خود کشی سیاسی برای آنها میباشد! مائوئیست های افغانستان این افتخار را دارند که به مثابه ی یگانه رقیب اشغالگران و به مثابه ی یگانه نیروی سیاسی که خار چشم رژیم پوشالی و باداران آن است، مطرح بوده و توان آن را دارا اند که خواب و قرار را از چشم اشغالگران بربایند. آری! تروتسکیست های شرمسار (سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان) و سایر رویزیونیست ها (نظیر رویزیونیست های ساا) هرگز اسباب "مزاحمت" برای اشغالگران نیستند. اشغالگران تنها از مائوئیست ها به مثابه ی یگانه خطر واقعی نام میبرند. این خود نشان میدهد که پس از انتخابات دروغین 1393، اشغالگران و کوانتل پرو

مستقیماً به جنگ قاطع در برابر مائوئیست های کشور خواهند شتافت. اشغالگران کاملاً آگاه اند که رادیکالیسم مائوئیست ها در منطقه، تنها به هند و نیپال (منظور آن بخش هایی از مائوئیست های نیپال است که پاراچندیسم و رویزیونیسم موهن بیدیا را رد میکنند) محدود نبوده، بلکه این رادیکالیسم، در بنگلادیش نیز محسوس بوده، و به همین ترتیب تا به افغانستان گسترده است. امپریالیست ها از این کمربند سرخ هراس دارند، و مبارزه آنها علیه مائوئیست های کشور، بخشی از مبارزه امپریالیست ها علیه مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم در سراسر جهان میباشد. بگذار احزاب، سازمانها و نهاد های سرکاری به یوناما و اربابان خویش خط تسلیمی بدهند و آنان را اطمینان دهند که از خط قرمز عبور نخواهند کرد. مائوئیست های کشور، آن نهاد های سرکاری را قاطعانه رد نموده، و مادامیکه آنان در سنگر دشمنان خلق قرار دارند و ننگ سرکاری بودن را با خویش دارند، مورد لعن و نفرین مائوئیست های کشور قرار دارند. مبارزه علیه آن نهاد های سرکاری، بخشی از کارزار بایکوت و تحریم انتخابات سرکاری 1393 بوده، و همانگونه که آن انتخابات سرکاری حمله امپریالیست های اشغالگر بر خلق های ما محسوب میشود، کارزار تحریم قاطعانه آن انتخابات از سوی مائوئیست های کشور، ضد حمله امپریالیست ها، میباشد، ضد حمله ای که هیچگونه نوسان و تزلزلی را نمی

شناسد. اگر "طالبان" که خود ساخته و پرداخته ء اشغالگران اند، به دروغ و محض جهت منحرف ساختن ذهنیت عامه "اکت" و ادای تحریم در می آورند، مائوئیست های کشور قاطعانه و قهرمانانه در برابر سناریو های امپریالیستی قرار گرفته اند. از همین رو است که یوناما "طالبان" و تفاهم و "ائتلاف بستن" با آنها را جواز میدهد و اما مائوئیست ها را به مثابه ء یگانه نیروی ضد رژیم و ضد اشغال معرفی میکند. مائوئیست های کشور، همانگونه که افتخار مقاومت در برابر سوسیال-امپریالیسم روس را داشتند، اینک نیز قاطعانه و قهرمانانه در برابر اشغالگران امریکایی-شرکا نبرد پیگیر خویش را ادامه بخشیده اند. داعیه ء "جهاد" علیه "کفر" جهادی های بنیادگرا، با لمیدن شان بر کرسی های پارلمان و "وزارت خانه ها" باد شد و به هوا رفت، و جهادی ها که مولود امپریالیست های "غربی" بودند، یکصدا "زنده باد جامعه جهانی" گفته و رژیم پوشالی و دست نشانده ء "جمهوری اسلامی افغانستان" را با قانون اساسی پوشالی و ملحقات و ضمایم پوشالی آن به رسمیت شناخته و بخش معتنابهی از ساختار قدرت را مشمول شدند. گلبدین نیز در این برهه، بنا بر صواب دید اربابان امپریالیست اش، بیش از این نشکیفت، و به "انتخابات" اقتدا کرد! به این ترتیب می بینیم که به جز مائوئیست های کشور، هیچ نیرویی وجود ندارد که با رژیم پوشالی و با داران آن، به دشمنی بپردازد. تنها مائوئیست ها اند آن نیرویی که خلق

ها آنها را به مثابه ء یگانه نیروی سیاسی رهبری کننده ء مقاومتگر و انقلابی میشناسند. لهذا، مسلم است که خلق ها پیرامون رهبری کبیر مائوئیست های کشور گرد خواهند آمد. این موضوع از همان آغاز تجاوز امپریالیستی بر افغانستان برای روشنفکران متعهد آشکار بود که یگانه نیروی پیگیر و تا آخر استوار در برابر اشغالگران امپریالیست، مائوئیست های کشور است. حال، همه خلق های کشور به وضوح یکبار دیگر دریافتند که همانگونه که مائوئیست های کشور پیگیرترین و صادقترین فرزندان این آب و خاک بودند و در برابر اشغالگران "شوروی" نبرد کردند، اینک نیز این نیرو اند که یگانه نیروی رهبری سیاسی مقاومت گر در برابر اشغالگران را تشکیل میدهند. از همین رو است که این نیرو شایسته گی و توانایی کسب رهبری نبرد مقاومتگرانه ء خلق ها در برابر اشغالگران را دارا بوده، مایه ء نگرانی جدی امپریالیست ها اند. از همین رو است که اشغالگران امپریالیست مائوئیست ها را یگانه نیرویی میدانند که باید مورد لعن و غضب قرار گیرند! مائوئیست های کشور باید با متانتی تام با پابندی به اصول، آماده ء پذیرش کلانترین خطر ها شده، و رهبری مبارزه ء انقلابی-رهایی بخش را به عهده گیرند. این مبارزه از کانال جنگ خلق میگذرد. لهذا، شعار اصولی ما همانا "جنگ خلق" و ادامه ء جنگ خلق تا برافگندن اهریمنان اشغالگر، استعمارگر و تا نابودی امپریالیسم و جامعه ء طبقاتی میباشد. در این

راستا، اندیشه ء راهنمای صدر اکرم یاری به مثابه ء
تطبیق خلاق حقیقت عام مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم
در یراتیک مشخص جامعه ء ما، ستاره ء سرخ راهنمای
ما میباشد. برای مائوئیست های کشور، صدر اکرم
یاری یعنی جنگ خلق تا کمونیسم. اما برای
رویزیونیست ها، صدر اکرم یاری یعنی کسی که نگذاشت
نیای ایدئولوژیک رویزیونیست های امروزی یعنی
اپورتونیسیم در سازمان جوانان متری سکانداری کند!
از همین سبب است که اپورتونیسیت های اکونومیست، سه
جهانی ها و سنتریست ها، هم-آوا شده و تا میتوانند
در برابر خط سرخ صدر اکرم یاری، صف سیاه ء خویش
را بسیج میکنند.

رویزیونیست های (سازمان رهایی) و کودکان سرکش
(سازمان انقلابی) اش همراه با سایر رویزیونیستان
هم-قماش شان، در شمار نیرو های تسلیم طلبی اند که
سالیان متمادی از در مماشات و مشاطه گری با
اشغالگران و جناح (تکنوکرات) رژیم پوشالی پیش
آمده اند. در حقیقت این رویزیونیست ها، بخشی از
جناح به اصطلاح چپ مشاطه گر رژیم بوده اند.
(سازمان انقلابی) و هم-سلکان اش، نه تنها (جنگ
خلق) را حتی در حرف نیز به رسمیت نمی شناسند بلکه
در برابر مائوئیست ها و مشی جهانشمول جنگ خلق
اعلام جنگ نموده اند. آنان با شعار دروغین (در راه
سوسیالیسم، به پیش) میخواهند خاک در چشم توده ها
بریزند. حال آنکه مائوئیست ها صریحا اعلام میدارند

که بدون جنگ خلق سوسیالیسمی نضج نخواهد گرفت. هم از این رو است که مائوئیست های کشور پیوسته جنگ خلق را شعار داده و در آن راستا کار و پیکار خویش را ادامه بخشیده اند. اما رویزیونیست ها، به لفاظی ها و دشنام نامه نویسی های چندش آور رو آورده، و به تنها چیزی که نمی اندیشند (و با در نظر داشت طینت رویزیونیستی شان، نمی بایست هم بیاندیشند) جنگ خلق است! رویزیونیست های تسلیم طلب (سازمان انقلابی) و هم-سلکانش نیز در شمار دشمنان خلق بوده، و با مشاطه گری های خویش، خلق را فریفته و از لحاظ طبقاتی، در کنار بورژوازی بیروکرات کمپرادور قرار گرفته، و به تریبون (تطهیر تیوریک) این بورژوازی مبدل گردیده اند.

انتخابات 1393 همانند انتخابات قبلی یک انتخابات پوشالی و نمایشی و مشاطه گرانه است. این انتخابات بزرگترین توهین به ارادهء خلق افغانستان است. این انتخابات خلق های ما را به ریشخند میگیرد و ایشان را فرا میخواند که به مزدوران امپریالیسم و مرتجعان رای بدهند. از خلق ها میخواهد که به قصابان خویش رای بدهند. از خلق ها میخواهد که اشغال مملکت و پوشالی بودن رژیم را پذیرا شده و تن به انقیاد ملی دهند. همه نامزدان این انتخابات پوشالی، اعلان کرده اند که در صورت برنده شدن، ننگ امضاء ی "پیمان امنیتی" با امپریالیسم امریکا را از جان و دل پذیرا شوند! برگزاری چنین انتخاباتی

یکبار دیگر صحت این تز مائوئیستی را به اثبات
میرساند که: انتخابات و لمیدن در پناه توهمات
بورژوا-بروکراسی راهء حل نیست! راه حل، مبارزه
مسلحانه ء انقلابی و راه اندازی جنگ خلق تا
کمونیسم است!

جنگ خلق آری! انتخابات هرگز!

جنگ خلق آری! پارلمانتاریسم هرگز!

تایید " انتخابات " 1393، کرنش در برابر سگان زنجیری اشغالگران است!

انقلاب زنده باد!

سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)